



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوة
والتسلیمة

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

فلاں حل لائٹ

سند گویای ولایت



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حدیث غدیر سند گویای ولایت

نویسنده:

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی (دام ظلّه)

ناشر چاپی:

مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ حدیث غدیر سند گویای ولایت
۶ مشخصات کتاب
۶ تهاجم بی سابقه!
۶ پیشگفتار
۷ مقدمه
۷ دورنمای غدیر
۷ خطبه پیامبر(صلی الله علیه وآله) در غدیر خم
۸ جاودانگی داستان غدیر
۹ ۱۱۰ تن از راویان حدیث
۹ مقصود از «مولی» کیست؟
۱۰ گواهان صدق این مدعا
۱۲ سه حدیث پرمعنی!
۱۳ مدارک (از منابع معروف اهل سنت)
۱۴ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

حدیث غدیر سند گویای ولایت

مشخصات کتاب

سرشناسه: مکارم شیرازی ناصر، - ۱۳۰۵ عنوان و نام پدیدآور: حدیث غدیر: ولایت پر بولتی هوئی سند/ [ناصر مکارم شیرازی؛ مولف معارف و تحقیقات اسلامی گروه مترجم محمدحسین حیدری مشخصات نشر: قم مدرسه الامام علی ابن ابیطالب ع، ۱۳۸۲. مشخصات ظاهری: ۳۶ ص ۵/۱۱/۲۰X۵/۲۰۵ س. شابک: ۹۶۴-۸۱۳۹-۰۱-۶؛ ۹۶۴-۸۱۳۹-۰۱-۶ یادداشت: اردو. یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس موضوع: غدیر خم موضوع: علی بن ابی طالب ع، امام اول ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق -- اثبات خلافت شناسه افزوده: حیدری محمدحسین مترجم شناسه افزوده: حوزه علمیه قم گروه معارف و تحقیقات اسلامی شناسه افزوده: مدرسه الامام علی بن ابی طالب ع رده بندی کنگره: ۵۴/۲۲۳/۵۴/۷ح ۴۱۳۸۲ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۵۲ شماره کتابشناسی ملی: ۸۲-۱۳۲۵۴

تهاجم بی سابقه!

اخیراً با فضای باز سیاسی که در کشور پیدا شده، جمعی از مولوی های اهل سنت جنوب کشور، بر خلاف تعهدی که در مسأله وحدت داشته و دارند، تهاجم خود را به عقائد شیعه (مذهب رسمی کشور) آغاز کرده اند که یک نمونه از آن، مقاله «افسانه شهادت حضرت زهرا(علیها السلام)» بود که در مجله «ندای اسلام» که به اجازه وزارت ارشاد منتشر می شود، چاپ شده بود و جواب آن را قاطعانه دادیم اکنون خبر می رسد یکی دیگر از مولوی های اهل سنت جنوب، سخنانی تحریک آمیز درباره «حدیث غدیر» ایراد کرده است که بسیار دور از واقعیت های موجود در کتب حدیث و تاریخ و سیره می باشد، این سخن ما را بر این داشت که حدیث غدیر را به طور شفاف و فشرده مطرح کنیم و در معرض داوری عموم قرار دهیم، این شما و این حدیث غدیر تا بینیم تهاجم بر ضد مذهب رسمی کشور به کجا می انجامد؟ و تا کی باید سکوت کرد!؟

پیشگفتار

نام غدیر را همه شنیده ایم، سرزمینی است میان مکه و مدینه، در نزدیکی «جحفه» که در حدود ۲۰۰ کیلومتری مکه واقع شده و چهارراهی است که حجاج سرزمین های مختلف می توانستند در آنجا از هم جدا شوند: راهی به سوی مدینه می رود، در جهت شمال. راهی به سوی عراق می رود، در جهت شرق. راهی به سوی مصر می رود، در طرف غرب. و راهی به سوی یمن، در جهت جنوب. امروزه این سرزمین، سرزمین متروکی است زولی روزی شاهد یکی از بزرگترین حوادث تاریخ اسلام بوده، و آن، روز نصب علی (علیه السلام) به جانشینی پیامبر گرامی اسلامی (صلی الله علیه و آله) (در روز هیجدهم ذی الحجه سال دهم هجری) می باشد. گرچه خلفا روی جهات سیاسی کوشیدند این خاطره عظیم تاریخی را از نظرها محو کنند و هم اکنون نیز بعضی از متعصبان به دلائلی که ناگفته پیداست، سعی در محو یا کم رنگ کردن آن دارند زولی ابعاد این حادثه آن قدر در صحنه تاریخ و حدیث و ادبیات عرب وسیع است، که قابل پوشانیدن یا محو کردن نیست. و شما در این کتابچه به مدارک و منابعی در این زمینه برخورد می کنید که شگفت زده خواهید شد، و از خود می پرسید: مسأله ای که این همه دلیل و مدرک دارد چگونه مورد بی مهری و پرده پوشی قرار گرفته است؟! امید است این تحلیل های منطقی و مدارکی که همه از منابع برادران اهل سنت گرفته شده، وسیله ای برای تقریب صفوف مسلمین جهان گردد، و حقایقی که در گذشته به سادگی از کنار آن گذشته اند مورد توجه دقیق همگان، به ویژه نسل جوان قرار گیرد. گروه معارف و تحقیقات اسلامی - قم

مقدمه

حدیث غدیر یکی از دلایل روشن ولایت و خلافت بلافصل امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بعد از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) است. که محققان اهمیت خاصی برای آن قائل هستند. متأسفانه کسانی که درباره ولایت آن حضرت گرفتار پیش داوری هستند، گاهی سند حدیث را پذیرفته و در دلالت آن تردید می کنند، و گاه ناآگاهانه سند آن را زیر سؤال می برند. برای روشن شدن ابعاد مختلف این حدیث، لازم است درباره هر دو موضوع با ذکر مدارک موثق و معتبر سخن بگوییم:

دورنمای غدیر

مراسم «حجّه الوداع» در ماه آخر سال دهم هجرت به پایان رسید، مسلمانان، اعمال حج را از پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) آموختند و در این هنگام، پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله) تصمیم گرفت، مکه را به عزم مدینه ترک گوید. فرمان حرکت صادر شد، هنگامی که کاروان به سرزمین «رابغ» (۱) که در سه میلی «جحفه» (۲) قرار دارد، رسید زجرئیل، امین وحی، در نقطه ای به نام «غدیر خم» فرود آمد، و حضرت را با آیه زیر مورد خطاب قرار داد: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِي مَمْرُكَ مِنَ النَّاسِ (۳)» ای رسول! آنچه که از سوی خدا به تو فرستاده شده، به مردم ابلاغ کن. و اگر ابلاغ نکنی رسالت خدا را تکمیل نکرده ای، خداوند تو را از آسیب مردم حفظ می کند! لحن آیه حاکی از آن است که خداوند انجام امر خطیری را بر عهده پیامبر (صلی الله علیه وآله) گذارده است که هم سنگ رسالت، و موجب یأس دشمنان اسلام بوده است، چه امر خطیری بالاتر از این که در برابر دیدگان بیش از صد هزار نفر، علی (علیه السلام) را به مقام خلافت و وصایت و جانشینی نصب کند؟! از این نظر، دستور توقف صادر شد. کسانی که جلو کاروان بودند، از حرکت باز ایستادند، و آنها که دنبال کاروان بودند، به آنها پیوستند. وقت ظهر و هوا به شدت گرم بود، تا آنجا که گروهی از مردم قسمتی از ردای خود را بر سر، و قسمتی را زیر پا می افکندند. برای پیامبر سایبانی، به وسیله چادری که روی درخت افکنده بودند، تشکیل شد، آن حضرت بر روی نقطه بلندی که از جهاز شتر ترتیب داده شده بود، قرار گرفت و با صدای بلند و رسا خطبه ای ایراد کرد که عصاره اش این بود:

خطبه پیامبر (صلی الله علیه وآله) در غدیر خم

«حمد و ثنا مخصوص خداست. از او یاری می طلبیم و به او ایمان داریم و بر او توکل می کنیم. از بدی ها و اعمال ناشایست خود به او پناه می بریم. خدایی که جز او هادی و راهنمایی نیست. و هر کس را که هدایت نمود، گمراه کننده ای برای او نخواهد بود. گواهی می دهم که جز او معبودی نیست، و محمد بنده و پیامبر او است. هان ای مردم! نزدیک است من دعوت حق را لیک بگویم و از میان شما بروم. من مسؤولم و شما نیز مسؤول هستید!» سپس فرمود: «درباره من چه فکر می کنید؟!...» (آیا من وظیفه خود را در برابر شما انجام دادم؟) در این موقع صدای جمعیت به تصدیق خدمات پیامبر (صلی الله علیه وآله) بلند شد و گفتند: «ما گواهی می دهیم تو رسالت خود را انجام دادی، و کوشش نمودی، خدا تو را پاداش نیک دهد». پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: «آیا گواهی می دهید که معبود جهان یکی است، و محمد بنده خدا و پیامبر او می باشد و در بهشت و دوزخ و زندگی جاویدان در سرای دیگر جای تردید نیست؟» همگی گفتند: «آری صحیح است، گواهی می دهیم!» سپس فرمود: «مردم! من دو چیز نفیس و گرانبه در میان شما می گذارم، بینم بعد از من چگونه با این دو یادگار من رفتار می نمایید؟!» در این وقت یک نفر برخاست و با صدای بلند گفت: «منظور از این دو چیز نفیس چیست؟!» پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: «یکی کتاب خداست که یک طرف آن در دست قدرت خداوند، و طرف دیگر آن در دست شما است، و دیگری عترت و اهل بیت من است و خداوند به من خبر داده که این

دو هرگز از هم جدا نخواهند شد!» «هان ای مردم! بر قرآن و عترت من پیشی نگیرید، و در عمل به فرمان هر دو، کوتاهی نکنید که هلاک می شوید!» در این لحظه، دست علی (علیه السلام) را گرفت و آن قدر بالا برد که سفیدی زیر بغل هر دو برای مردم نمایان گشت، و او را به همه مردم معرفی نمود. سپس فرمود: «سزاوارتر بر مؤمنان از خود آنها کیست؟» همگی گفتند: «خدا و پیامبر او داناترند!» پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «خدا مولای من، و من مولای مؤمنان هستم، و من بر آنها از خودشان اولی و سزاوارترم!» هان ای مردم! «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» (۴) اَللّٰهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ احْبِبْ مَنْ احْبَبَهُ وَ ابْغِضْ مَنْ ابْغَضَهُ وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَ اَدْرِ الْحَقَّ مَعَهُ حَيْثُ دَارَ زَهْرٍ كَسَمِّ مَنْ سَرِيسَتْ وَ مَوْلَايَ اَوْ هَسْتَمِ عَلِيٌّ مَوْلَايَ اَوْ اسْتَ. خداوند! کسانی که علی را دوست دارند، دوست مدار و کسانی که او را دشمن بدانند دشمن دار. خدایا! آنها که علی را یاری کنند یاری کن، و آنها که دست از یاری او بردارند آنها را از یاری خود محروم ساز، و حق را بر محور وجود او بگردان! (۵) در جای جای خطبه بالا (۶) اگر نیک بنگرید، دلائل زنده امامت علی (علیه السلام) آشکار است. (شرح این سخن را به زودی خواهیم گفت).

جاودانگی داستان غدیر

اراده حکیمانه خداوند بر این تعلق گرفته است که واقعه تاریخی غدیر، در تمام قرون و اعصار به صورت یک تاریخ زنده که قلوب و دل ها به سوی آن جذب می شوند، بماند و نویسنده‌گان اسلامی در هر عصر و زمانی در کتاب های تفسیر و تاریخ و حدیث و کلام، پیرامون آن سخن بگویند و گویندگان مذهبی در مجالس وعظ و خطابه درباره آن داد سخن دهند و آن را از فضایل غیرقابل انکار امام علی بن ابیطالب (علیه السلام) بشمارند. نه تنها خطبا و گویندگان، بلکه «شعرا»، از این واقعه الهام گرفته و ذوق ادبی خود را از تفکر و اندیشه پیرامون این حادثه و از فزونی اخلاص به صاحب ولایت، پر فروغ سازند، و عالی ترین اشعار را به صورت های گوناگون و به زبان های مختلف از خود به یادگار بگذارند. (مرحوم علامه امینی بخش مهمی از اشعار غدیریّه را قرن به قرن در تاریخ اسلام با شرح حالات این سراینده‌گان در مجلدات یازدگانه الغدیر از منابع معروف اسلامی آورده است). به تعبیر دیگر، کمتر واقعه تاریخی در جهان، بسان رویداد «غدیر»، مورد توجه طبقات مختلف، از محدث و مفسّر و متکلم و فیلسوف، و خطیب و شاعر، و مورخ و سیره نویس واقع شده است. یکی از علل جاودانی بودن این حدیث، نزول دو آیه (۷) از آیات قرآن پیرامون این واقعه است، و تا قرآن ابدی و جاودانی است، این واقعه تاریخی نیز از خاطره ها محو نخواهد شد. نکته جالب این که از مراجعه به تاریخ، به خوبی معلوم می شود که روز هیجدهم ذی الحجه الحرام، در میان مسلمانان به نام روز عید غدیر معروف بوده، تا آنجا که «ابن خلکان»، درباره «المستعلی ابن المستنصر» می گوید: «در سال ۴۸۷ در روز عید غدیر خم که روز هیجدهم ذی الحجه الحرام است، مردم با او بیعت کردند (۸) و درباره المستنصر بالله العبیدی می نویسد: وی در سال ۴۸۷، دوازده شب به آخر ماه ذی الحجه باقی مانده بود، در گذشت، و این شب، همان شب هیجدهم ماه ذی الحجه، شب عید غدیر است.» (۹) جالب این که «ابوریحان بیرونی»، در کتاب «الآثار الباقیه»، عید غدیر را از عیدهایی شمرده که همه مسلمانان آن را، برپا می داشتند و جشن می گرفتند! (۱۰) نه تنها «ابن خلکان» و «ابوریحان بیرونی»، این روز را «عید» می نامیدند بلکه «ثعالبی» یکی دیگر از دانشمندان معروف اهل سنت نیز، شب غدیر را از شب های معروف در میان امت اسلامی شمرده است. (۱۱) ریشه این عید اسلامی به عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) باز می گردد. زیرا در آن روز پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مهاجرین و انصار، بلکه به همسران خود دستور داد که نزد علی (علیه السلام) بروند و به خاطر ولایت و امامت، به او تبریک گویند. «زید بن ارقم» می گوید: از مهاجران، ابوبکر و عمر و عثمان و طلحه و زبیر، نخستین کسانی بودند که به علی (علیه السلام) دست بیعت دادند و مراسم تبریک و بیعت تا مغرب ادامه داشت! (۱۲)

۱۱۰ تن از راویان حدیث

در اهمیت این رویداد تاریخی، همین اندازه کافی است که این واقعه تاریخی را صد و ده تن از صحابه پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل کرده اند. (۱۳) البته این جمله نه به آن معنی است که از آن گروه عظیم، تنها همین افراد، این حادثه را نقل کرده اند؛ بلکه منظور این است تنها در کتاب های دانشمندان اهل تسنن، نام صد و ده تن به چشم می خورد. در قرن دوم اسلامی که عصر تابعان نامیده می شود، هشتاد و نه تن از آنان به نقل این حدیث پرداخته اند. راویان حدیث غدیر، در قرن های بعد نیز از علما و دانشمندان اهل تسنن می باشند. سیصد و شصت تن از آنها این حدیث را در کتاب های خود گرد آورده و گروه زیادی به صحت و استواری سند حدیث اعتراف نموده اند. گروهی تنها به نقل این حدیث اکتفا نکرده، بلکه پیرامون اسناد و مفاد آن مستقلاً کتاب هایی نوشته اند. عجیب این که مورخ بزرگ اسلامی، طبری، کتابی به نام «الولایة فی طرق حدیث الغدیر» نوشته و این حدیث را از هفتاد و پنج طریق از پیامبر نقل کرده است! ابن عقده کوفی، در رساله «ولایت»، این حدیث را از صد و پنج تن نقل کرده است. ابوبکر محمد بن عمر بغدادی، معروف به جمعانی، این حدیث را از بیست و پنج طریق نقل نموده است. از مشاهیر اهل سنت احمد بن حنبل شیبانی ابن حجر عسقلانی جزری شافعی ابوسعید سجستانی امیر محمد یمنی نسائی ابوالعلاء همدانی و ابوالعرفان حبان دانشمندان شیعه نیز پیرامون این واقعه تاریخی، کتاب های ارزنده فراوانی نگاشته اند و به منابع مهم اهل سنت نیز اشاره کرده اند که جامع ترین آنها کتاب تاریخی «الغدیر» است که به خامه توانای نویسنده نامی اسلامی، علامه مجاهد، مرحوم آیه الله امینی نگارش یافته است (در نگارش این بخش، از آن کتاب استفاده فراوانی به عمل آمده). به هر حال، پیامبر (صلی الله علیه و آله) پس از نصب امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به عنوان جانشین خود فرمود: «ای مردم! اکنون فرشته وحی بر من نازل گردید و این آیه را آورد: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (۱۵) امروز دین شما را کامل نمودم، و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را برای شما یگانه آیین انتخاب کرده و پسندیدم.» در این موقع صدای تکبیر پیامبر (صلی الله علیه و آله) بلند شد. و فرمود: «خدا را سپاس می گذارم که آیین خود را کامل کرد و نعمت خود را به کمال رسانید، و از وصایت و ولایت و جانشینی علی پس از من خشنود گشت.» سپس پیامبر (صلی الله علیه و آله) از آن نقطه مرتفع فرود آمد و به علی (علیه السلام) فرمود: «در زیر خیمه ای بنشین، تا سران و شخصیت های بارز اسلام با تو بیعت کنند و تبریک گویند.» پیش از همه، شیخین (عمر و ابوبکر) به علی (علیه السلام) تبریک گفتند و او را مولای خود خواندند! حسان بن ثابت، فرصت را مغتنم شمرد، با کسب اجازه از محضر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، اشعاری سرود و در برابر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) خواند، که ما فقط دو بیت آن را در اینجا نقل می کنیم که بسیار گویاست: فقال له قم يا عليُّ فأنني رضيتك من بعدى إماماً و هادياً فمن كنت مولاه فهذا وليه فكونوا له اتباع صدق موالياً یعنی: «به علی فرمود برخیز که من تو را برای جانشینی و راهنمایی مردم پس از خویش انتخاب کردم. هر کس من مولا- و سرپرست او هستم علی مولای او است و شما در حالی که او را از صمیم دل دوست می دارید، از پیروان او باشید». (۱۶) این حدیث از بزرگ ترین شواهد بر فضیلت و برتری امام علی (علیه السلام) بر تمام صحابه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) بوده است. حتی امیرمؤمنان، در مجلس شورای خلافت - که پس از درگذشت خلیفه دوم منعقد گردید (۱۷) - و نیز در دوران خلافت عثمان، و ایام خلافت خویش ربه آن احتجاج کرده است. (۱۸) از این گذشته، شخصیت های بزرگی مانند حضرت زهرا (علیها السلام)، همواره به این حدیث در برابر مخالفان و منکران مقام والای علی (علیه السلام) استدلال کرده اند. (۱۹)

مقصود از «مولی» کیست؟

مسئله مهم در اینجا تفسیر معنی مولاست که در عین وضوح، مورد بی مهری های فراوانی قرار گرفته است، زیرا با آنچه گفته شد،

شک و تردیدی در قطعی بودن سند این حدیث باقی نمی ماند. لذا بهانه جویان به سراغ ایجاد شک و تردید در مفهوم و معنی حدیث، مخصوصاً واژه «مولا» رفته اند که از آن هم طرفی نبسته اند. با صراحت باید گفت که واژه مولی در این حدیث، بلکه در غالب موارد، یک معنا بیش ندارد و آن «اولویت و شایستگی» و به تعبیر دیگر «سرپرستی» است و قرآن نیز در بسیاری از آیات لفظ «مولا» را در معنی سرپرست و «أولی» به کار برده است: واژه مولا در ۱۸ آیه قرآن به کار رفته که ۱۰ مورد آن درباره خداوند است و بدیهی است که مولویت خداوند به معنی اولویت و سرپرستی اوست، و تنها در موارد بسیار کمی به معنی دوستی به کار رفته است. بنابراین نباید در این که «مولا» در درجه اول به معنی اولی و شایسته تر است، تردید کرد، و در حدیث غدیر نیز «مولا» به همین معناست، به علاوه، شواهد و قرائن فراوانی با آن همراه است. که به روشنی ثابت می کند که منظور اولویت و سرپرستی است.

گواهان صدق این مدعا

فرض کنید «مولا» در لغت معانی متعددی داشته باشد، ولی قرائن و شواهد فراوانی در حدیث غدیر و این رویداد بزرگ تاریخی وجود دارد که هرگونه ابهامی را از میان برمی دارد و با همه، اتمام حجت می کند: گواه اول همان گونه که گفتیم در روز واقعه تاریخی غدیر، حسان بن ثابت شاعر رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، با کسب اجازه از پیامبر (صلی الله علیه و آله) برخاست و مضمون کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در قالب شعر ریخت، این مرد فصیح و بلیغ و آشنا به رموز زبان عرب، به جای لفظ «مولی»، کلمه امام و هادی را به کار برد و گفت: فقال له: قُم یا علی فإنتی رضیتک من بعدی إماماً و هادياً (۲۰) «پیامبر به علی فرمود: ای علی برخیز که من تو را بعد از خود به عنوان امام و هادی انتخاب کردم!» چنان که روشن است وی از لفظ «مولی» که در کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود، جز مقام امامت و پیشوایی و هدایت و رهبری امت، چیز دیگری استفاده نکرده است. در حالی که از اهل لغت و فصیحان عرب محسوب می شود. نه تنها حسان شاعر بزرگ عرب از لفظ «مولی» این معنی را استفاده نموده است، بلکه پس از وی سایر شعرای بزرگ اسلامی که بیشتر آنان از ادبا و شعرای معروف عرب بودند و برخی نیز از استادان بزرگ این زبان به شمار می آیند، از این لفظ همان معنی را فهمیدند که حسان فهمیده بود، یعنی امامت و پیشوائی امت! گواه دوم امیر مؤمنان (علیه السلام) در اشعار خود که برای معاویه نوشته، درباره حدیث غدیر چنین می گوید: وَ أَوْجَبَ لِي وَ لِيَّتَهُ عَلَيكُمْ رَسُولُ اللَّهِ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ (۲۱) یعنی: پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) برای من، ولایتش را بر شما در روز غدیر واجب ساخت. چه شخصی بالاتر از امام می تواند، حدیث را برای ما تفسیر کند و بفرماید که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) روز غدیر خم، ولایت را به چه معنی فرمود؟ آیا این تفسیر نمی رساند که به اندیشه همه حاضران واقعه غدیر، جز زعامت و رهبری اجتماعی، مطلب دیگری خطور نکرد؟ گواه سوم پیامبر پیش از بیان جمله من کنت مولا... این سؤال را مطرح فرمود: «أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟» آیا من از خود شما به شما سزاوارتر و شایسته تر نیستم؟» در این جمله، پیامبر (صلی الله علیه و آله) لفظ «اولی به نفس» به کار برده، و از همه مردم نسبت به اولویت خود بر آنها اقرار گرفته است، سپس بلافاصله فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» کسی که من مولای او هستم، علی مولای او است.» هدف از تقارن این دو جمله چیست؟ آیا جز این است که می خواهد همان مقامی را که خود پیامبر (صلی الله علیه و آله) به نص قرآن دارد، برای علی (علیه السلام) نیز ثابت کند؟ با این تفاوت که او پیامبر است و علی امام، در نتیجه معنی حدیث این می شود: هر کس من نسبت به او اولی هستم، علی (علیه السلام) نیز نسبت به او اولی است» (۲۲) و اگر مقصود پیامبر (صلی الله علیه و آله) جز این بود، جهت نداشت برای اولویت خود از مردم اقرار بگیرد. چقدر دور از انصاف است که انسان این پیام پیامبر (صلی الله علیه و آله) را نادیده بگیرد. و از کنار قرینه ای به این روشنی به آسانی بگذرد و چشم خود را به روی آن ببندد. گواه چهارم پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آغاز سخن خود، از مردم سه اصل مهم اسلامی را اقرار گرفت و فرمود: «أَلَسْتُمْ تَشْهَدُونَ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ النَّارَ حَقٌّ؟» آیا شما گواهی نمی دهید که معبودی جز خدای یکتا نیست،

محمد (صلی الله علیه وآله) بنده و رسول خدا است، و بهشت و دوزخ حق است؟» هدف از این اقرار گرفتن چه بود؟ آیا جز این است که می خواهد ذهن مردم را آماده کند، تا مقام و موقعیتی را که بعداً برای علی (علیه السلام) ثابت خواهد کرد، به مانند اصول پیشین تلقی نمایند و بدانند که اقرار به ولایت و خلافت وی، در ردیف اصول سه گانه دین است که همگی به آن اقرار و اعتراف دارند؟ اگر مقصود از «مولی» دوست و ناصر باشد، رابطه این جمله ها به هم خورده و کلام، استواری خود را از دست می دهد. و پیوند کلام به هم می خورد، آیا چنین نیست؟ گواه پنجم پیامبر (صلی الله علیه وآله) در آغاز خطابه خود، از مرگ و رحلت خویش سخن می گوید و می فرماید: «إِنِّي أَوْشَكُ أَنْ أَدْعِيَ فَأَجِيبُ نَزْدِيكَ است دعوت حق را لبیک بگویم.» (۲۳) این جمله حاکی از آن است که پیامبر (صلی الله علیه وآله) می خواهد برای پس از رحلت خود چاره ای بیندیشد و خلائی را که از رحلت آن حضرت پدید می آید، پر کند. آنچه می تواند چنین خلائی را پر کند، تعیین جانشینی است لایق و عالم که زمام امور را پس از رحلت آن حضرت به دست بگیرد، نه چیز دیگر. هر گاه ولایت را به غیر خلافت تفسیر کنیم، رابطه منطقی کلمات پیامبر (صلی الله علیه وآله) به طور آشکار به هم می خورد، در حالی که او از فصیح ترین و بلیغ ترین سخن گویان است. چه قرینه ای از این روشن تر برای مسأله ولایت پیدا می شود؟ گواه ششم پیامبر (صلی الله علیه وآله) پس از جمله «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ...» چنین فرمود: «اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى إِكْمَالِ الدِّينِ وَإِتْمَامِ النُّعْمَةِ وَرِضَى الرَّبِّ بِرِسَالَتِي وَالْوَلَايَةِ لِعَلِّي مِنْ بَعْدِي اللهُ أَكْبَرُ! بر کامل نمودن این دین و به سرحد کمال رساندن نعمت و رضایت پروردگار!» هر گاه مقصود، دوستی و یاری فردی از مسلمانان است، چگونه با ایجاب مودت و دوستی علی (علیه السلام) و نصرت او، دین خدا تکمیل گردید، و نعمت او به منتهی رسید؟ روشن تر از همه این که می گوید: خداوند به رسالت من و ولایت علی (علیه السلام) بعد از من راضی گردید. (۲۴) آیا اینها همه گواه روشن بر معنی خلافت نیست؟ گواه هفتم چه گواهی روشن تر از این که شیخین (عمر و ابوبکر) و گروه بی شماری از یاران رسول خدا (صلی الله علیه وآله) پس از فرود آمدن آن حضرت از منبر، همگی به علی (علیه السلام) تبریک گفته و موضوع تهنیت تا وقت نماز مغرب ادامه داشت و شیخین از نخستین افرادی بودند که به امام یا این عبارت تهنیت گفتند: «هَنِيئًا لَكَ يَا عَلِيُّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَصَيْبَحَتْ وَأَمْسَيْتَ مَوْلَايَ وَمَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ» (۲۵) «گوارا باد بر تو یا علی، صبح کردی و شام کردی در حالی که مولای من و مولای هر مرد و زن با ایمان هستی!» علی (علیه السلام) در آن روز چه مقامی به دست آورد که شایسته چنین تهنیت می باشد؟ محبت و دوستی چیز تازه ای نبود. گواه هشتم هر گاه مقصود همان مراتب دوستی علی (علیه السلام) بود، دیگر لازم نبود که این مسأله در چنان هوای گرم و سوزان مطرح گردد (کاروان یکصد هزار نفری را از رفتن باز دارد و مردم را در آن هوای گرم روی ریگ و سنگ های داغ بیابان بنشانند و خطابه مفصل بخواند)؟ مگر قرآن همه افراد جامعه با ایمان را برادر یکدیگر خوانده بود، چنان که می فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (۲۶) افراد با ایمان برادر یکدیگرند». مگر قرآن، در آیات دیگری افراد با ایمان را دوست یکدیگر معرفی نکرده است؟ و علی (علیه السلام) نیز عضو همان جامعه با ایمان بود، دیگر چه نیازی بود، و به فرض که مصلحتی در اعلام این دوستی بود، احتیاج به این مقدمات و این همه شرایط سخت نبود، در مدینه هم ممکن بود. به یقین مسأله بسیار مهمتری بوده که نیاز به این مقدمات استثنایی داشت، مقدماتی که در زندگی پیامبر (صلی الله علیه وآله) بی سابقه بود، و نظیر آن هرگز تکرار نشد. اکنون به داوری بنشینید با این قرائن روشن، اگر کسی در مقصود پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) که همان خلافت و زعامت مسلمین است شک کند شکفت آور نیست؟ آنها که تردید می کنند چگونه وجدان خود را قانع می سازند، و پاسخ پروردگار را روز رستاخیز چه خواهند داد؟ به یقین هر گاه همه مسلمانان فارغ از تعصب ها و پیش داوری ها بررسی تازه ای را روی حدیث غدیر آغاز کنند، به نتایج مطلوبی خواهند رسید و سبب اتحاد هر چه بیشتر صفوف مسلمین خواهد شد، و جامعه اسلامی چهره نوینی به خود خواهد گرفت. سؤال: این نکته نیز حائز اهمیت است که بعضی می گویند رئیس جمهور محترم، واژه «مولا» را در یکی از سخنرانی های انتخاباتی خود، به معنی

«دوستی» تفسیر کرده، با این که خود از روحانیون شیعه است. پاسخ: چنین نیست. زیرا ایشان با فاصله کمی برای رفع هر گونه ابهام و سوء تفاهم، در توضیحی که روز ۲۳ خردادماه ۱۳۸۰ در بسیاری از جرائد انتشار یافت چنین تصریح نمود: «خالی از لطف نیست تا نکته ای را که در یکی از سخنرانی های اخیر در باب داستان غدیر گفته ام تکرار کنم که محبت و مهر در دین خدا و به خصوص در عرصه حیات اجتماعی جامعه اسلامی نقش ممتاز دارد، با آنکه مقصود حضرت ختمی مرتبت از واژه مولی در جمله معروف «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» با توجه به خصوصیات زمان و مکان و بیعتی که همان روز با امام علی بن ابیطالب واقع شد قطعاً سرپرستی و ولایت امر جامعه اسلامی است و همان گونه که ما شیعیان معتقدیم و طبق نقل های معتبر تاریخی پس از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) این معنی مورد قبول و تصدیق صحابه بزرگ پیامبر (صلی الله علیه وآله) بوده است، در عین حال انتخاب واژه «مولی» پیام ویژه ای دارد و آگاهانه انتخاب شده است، قطعاً پیامبر اکرم می توانست از عنوانین دیگری چون امیر، قائد و سلطان استفاده کند. ولی در کلمه مولی علاوه بر سرپرستی، دوستی و محبت هم که از پایه های حکومت مطلوب اسلامی است اشراب شده است و امروز ملت ما می خواهد برخوردار از جامعه ای آزاد و آباد و رشد توأم با معنویت و اخلاق و محبت باشد». گروه معارف و تحقیقات اسلامی قم

سه حدیث پر معنی!

در پایان این مقال به سه حدیث پر معنی زیر توجه فرمائید: ۱- حق با کیست؟ ام سلمه و عایشه همسران پیامبر (صلی الله علیه وآله) می گویند: از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) شنیدیم که می فرمود: «علی مع الحق و الحق مع علی لن یفترقا حتی یردا علی الحوض» علی با حق است و حق با علی، هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند». این حدیث در بسیاری از منابع معروف اهل سنت آمده است، علامه امینی این منابع را به طور دقیق در جلد سوم الغدیر آورده است. (۲۷) مفسر معروف اهل سنت فخر رازی در تفسیر کبیرش در ذیل سوره حمد می گوید: اما علی بن ابی طالب (علیه السلام) بسم الله را بلند می گفت و این مطلب به تواتر ثابت شده و هر کس در دینش به علی اقتدا کند هدایت یافته و دلیل آن گفتار پیامبر است که فرمود: «اللهم ادر الحق مع علی حیث دار» خداوند! حق را بر محور وجود علی بگردان هر گونه که او گردش کند!». (۲۸) دقت کنید این حدیث می گوید: «حق» بر محور وجود او دور می زند! ۲- پیمان برادری گروهی از صحابه معروف پیامبر (صلی الله علیه وآله) این حدیث را از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نقل کرده اند: «آخی رسول الله (صلی الله علیه وآله) بین اصحابه فآخی بین ابی بکر و عمر، و فلان و فلان، فآخی علی (رضی الله عنه) فقال آخیت بین اصحابک و لم توآخ بینی و بین احدی! فقال رسول الله (صلی الله علیه وآله) انت آخی فی الدنیا و الآخرة» پیامبر (صلی الله علیه وآله) میان اصحابش پیمان اخوت برقرار ساخت از جمله میان ابوبکر و عمر و فلان فرد و فلان فرد (هر کس را با هر کسی متناسب بود) در این حال، علی (علیه السلام) خدمت حضرت آمد و عرض کرد میان همه پیمان برادری بستی ولی میان من و احدی پیمان برقرار نمودی! رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود تو در دنیا و آخرت برادر منی» همین مضمون با تعبیرات مشابه در ۴۹ مورد دیگر آمده است. احادیثی که عموماً در منابع اهل سنت است! (۲۹) آیا پیمان برادری علی با پیامبر (صلی الله علیه وآله) دلیل بر افضلیت و برتری او بر همه امت نیست؟ و آیا با وجود فرد برتر می توان به سراغ غیر برتر رفت؟ ۳- تنها راه نجات ابوذر در حالی که در خانه کعبه را گرفته بود صدا زد: من عرفنی (فقد عرفنی) و من لم یعرفنی فانا ابوذر، سمعت النبی (صلی الله علیه وآله) یقول: مثل اهل بیتی فیکم مثل سفینه نوح، من رکبها نجی و من تخلف عنها غرق. هر کس مرا می شناسد که می شناسد، و هر کس نمی شناسد، من ابوذر! از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) شنیدم که می فرمود: مثل اهل بیت من مثل کشتی نوح است، هر کس وارد آن شود، نجات می یابد و هر کس جدا شود غرق خواهد شد». منابع این حدیث بسیار فراوان است که در پاورقی ها اشاره خواهد شد. (۳۰) آن روز که طوفان نوح صفحه زمین را فراگرفت هیچ وسیله نجاتی جز کشتی

نوح نبود، حتی کوه‌های بلند نتوانستند فرزند نوح را که با بدان نشسته بود، رهائی بخشند. آیا طبق فرموده پیامبر (صلی الله علیه وآله)، برای نجات امت بعد از او، راهی جز چنگ زدن به دامان اهل بیت (علیهم السلام) وجود دارد؟

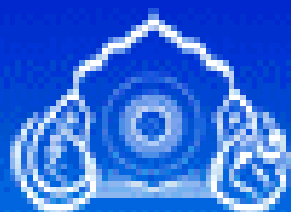
مدارک (از منابع معروف اهل سنت)

۱. «رابع»، هم اکنون در وسط راه مکه به مدینه است. ۲. یکی از «میقات‌های» احرام است و در گذشته راه اهل مدینه و مصر و عراق از آنجا منشعب می‌شد. ۳. مائده آیه ۶۷. ۴. پیامبر برای اطمینان خاطر، این جمله را سه بار تکرار کرد که مبدا بعدها اشتباهی رخ دهد! ۵. این فراز از حدیث غدیر، و گاهی قسمت اول آن بدون قسمت دوم یا به عکس، در مسانید زیر آمده است: مسند ابن حنبل: ج ۱، ص ۲۵۴؛ تاریخ دمشق: ج ۴۲، ص ۲۰۷ و ۲۰۸ و ۴۴۸، خصائص نسایی: ص ۱۸۱، المعجم الکبیر: ج ۱۷، ص ۳۹، سنن الترمذی: ج ۵، ص ۶۳۳، المستدرک علی الصحیحین: ج ۱۳، ص ۱۳۵، المعجم الاوسط: ج ۶، ص ۹۵، مسند ابی یعلی: ج ۱، ص ۲۸۰، المحاسن و المساوئی: ص ۴۱، مناقب خوارزمی: ص ۱۰۴، و کتب دیگر. ۶. این خطبه را گروه کثیری از علمای معروف و مشهور اهل سنت در کتاب‌های خود آورده اند از جمله: مسند احمد، جلد ۱، صفحه ۸۴، ۸۸، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۵۲، ۳۳۲، ۲۸۱، ۳۳۱ و ۳۷۰؛ سنن ابن ماجه، جلد ۱ صفحه ۵۵ و ۵۸؛ المستدرک علی الصحیحین حاکم نیشابوری، جلد ۳، صفحه ۱۱۸ و ۶۱۳، سنن ترمذی، جلد ۵، ۶۳۳؛ فتح الباری، جلد ۷۹ ص ۷۴؛ تاریخ خطیب بغدادی، جلد ۸، صفحه ۲۹۰، تاریخ الخلفاء و سیوطی، صفحه ۱۱۴ و کتب دیگر ۷. مائده / ۶۷ و ۳. ۸. وفيات الأعیان: ۱/۶۰. ۹. وفيات الأعیان: ۲/۲۲۳. ۱۰. ترجمه الآثار الباقیه: ۳۹۵؛ الغدیر: ۱/۲۶۷. ۱۱. ثمار القلوب: ۵۱۱. ۱۲. ماجرای تبریک عمر بن خطاب در مدارک بی شماری از اهل تسنن آمده، از جمله در مسند ابن حنبل ج ۶، ص ۴۰۱، البدایه و النهایه، ج ۵ ص ۲۰۹؛ الفصول المهمه ابن صباغ، ص ۴۰؛ فرائد السمطین، ج ۱، ص ۷۱ و همچنین ماجرای تبریک ابوبکر، عمر، عثمان، طلحه، زبیر و دیگران در کتاب‌های متعدد آمده از جمله: در کتاب مناقب علی بن ابیطالب، تألیف احمد بن محمد طبری (الغدیر، ج ۱، ص ۲۷۰). ۱۳. مدارک این منابع مهم یک جا خواهد آمد. ۱۴. مجموع این اسناد در جلد اول کتاب نفیس «الغدیر» موجود می‌باشد، که عموماً از منابع معروف اهل سنت جمع آوری شده است. ۱۵. مائده/۳. ۱۶. اشعار حسیان در منابع متعددی آمده است از جمله: مناقب خوارزمی، ص ۱۳۵؛ مقتل الحسین خوارزمی، ج ۱، ص ۴۷؛ فرائد السمطین، ج ۱، ص ۷۳ و ۷۴؛ النور المشتعل، ص ۵۶؛ المناقب کوثر، ج ۱، ص ۳۶۲ و ۱۱۸. ۱۷. این احتجاج و به اصطلاح «منا شده» در کتاب‌های: مناقب اخطب خوارزمی حنفی، ص ۲۱۷، و فرائد السمطین حموینی باب ۵۸، و الدر النظیم ابن حاتم شامی، و الصواعق المحرقة ابن حجر عسقلانی، ص ۷۵، و امالی ابن عقده، ص ۷ و ص ۲۱۲، و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۶۱ و الاستیعاب ابن عبدالبر، ج ۳، ص ۳۵ و تفسیر طبری، ج ۳ ص ۴۱۸ ذیل آیه ۵۵ مائده آمده است. ۱۸. فرائد السمطین، سمط اول باب ۵۸؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۳۶۲؛ اسد الغابه، ج ۳، ص ۳۰۷، و ج ۵، ص ۲۰۵؛ الاصابه ابن حجر عسقلانی، ج ۲، ص ۴۰۸، و ج ۴، ص ۸۰؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۸۴ و ۸۸؛ البدایه و النهایه ابن کثیر شامی، ج ۵، ص ۲۱۰، و ج ۷ ص ۳۴۸؛ مجمع الزوائد هیتمی، ج ۹، ص ۱۰۶؛ ذخائر العقبی، ص ۶۷ و... (الغدیر، ج ۱، صفحه ۱۶۳ و ۱۶۴). ۱۹. اسنی المطالب شمس الدین شافعی، طبق نقل سخاوی فی الصوء اللامع، ج ۹، ص ۲۵۶؛ البدر الطالع شوکانی، ج ۲، ص ۲۹۷؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۲۷۳؛ مناقب علامه حنفی، ص ۱۳۰، بلاغات النساء، ص ۷۲؛ العقد الفرید، ج ۱، ص ۱۶۲، صبح الاعشی، ج ۱، ص ۲۵۹، مروج الذهب ابن مسعود شافعی، ج ۲، ص ۴۹؛ زینبایع الموده، ص ۴۸۶. ۲۰. مدارک نسبت این اشعار به «حسان بن ثابت»، قبلاً ذکر شد. ۲۱. مرحوم علامه امینی، در جلد دوم الغدیر، صفحات ۲۵-۳۰ این شعر را به ضمیمه ابیات دیگر از ۱۱ نفر از دانشمندان شیعه و ۲۶ نفر از دانشمندان سنی نقل نموده است. ۲۲. این جمله «ألست أولى بکم من أنفسکم» را علامه امینی از ۶۴ محدث و مورخ اسلامی نقل کرده است. به جلد ۱، ص ۳۷۱ مراجعه فرمایید. ۲۳. به الغدیر: ۱/۲۶، ۲۷، ۳۰، ۳۲، ۳۳۳، ۳۴، ۳۶، ۴۷ و

۱۷۶ مراجعه شود، سند این مطلب از مدارک اهل تسنن مانند: صحیح ترمذی، ج ۲، ص ۲۹۸؛ الفصول المهمه ابن صباغ، ص ۲۵؛ المناقب الثلاثة حافظ ابی الفتوح، ص ۱۹؛ البداية و النهایه ابن کثیر، ج ۵، ص ۲۰۹ و ج ۷ ص ۳۴۸؛ الصواعق المحرقة، ص ۲۵؛ مجمع الزوائد هیتمی، ج ۹، ص ۱۶۵ و... ۲۴. مرحوم علامه امینی مدارک این قسمت از حدیث را در ج ۱، ص ۴۳، ۱۶۵، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۵ آورده است. مانند: الولاية ابن جریر طبری، ص ۳۱۰؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۱۴؛ تفسیر الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۵۹؛ الاتقان، ج ۱، ص ۳۱؛ مفتاح النجاح بدخشی، ص ۲۲۰، ما نزل من القرآن فی علی، أبو نعیم اصفهانی؛ تاریخ خطیب بغدادی، ج ۴، ص ۲۹۰؛ مناقب خوارزمی، ص ۸۰؛ الخصائص العلویة أبو الفتح نطنزی، ص ۴۳؛ تذکره سبط بن جوزی، ص ۱۸؛ فرائد السمطين، باب ۱۲. ۲۵. برای آگاهی از اسناد تهنیت شیخین، به الغدیر، ج ۱، ص ۲۷۰، ۲۸۳ مراجعه شود و قبلاً بخشی از مدارک این حدیث ذکر شد. ۲۶. حجرات ۱۰. ۲۷. این حدیث را محمد بن ابی بکر و ابوذر و ابوسعید خدری و گروهی دیگر نیز از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل کرده اند. (به جلد سوم الغدیر مراجعه شود). ۲۸. تفسیر کبیر، ج ۱، ص ۲۰۵. ۲۹. علامه امینی تمام این پنجاه حدیث و مدارک و منابع آن را به طور دقیق در جلد سوم الغدیر آورده است. ۳۰. مستدرک حاکم، جلد ۲، صفحه ۱۵۰، (طبع حیدرآباد) و حداقل ۳۰ کتاب دیگر از منابع معروف اهل سنت، آن را نقل کرده اند.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب تقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و... اماکن مذهبی، گردشگری و... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

